

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمورشاه تیموری

پیر مرد

یادآوری یکی از هزاران واقعه پرتاب راکتهای کور
بر شهر نازنین کابل

قصه بینواي بی سامان
جسم باریک و قامتی چو کمان
نگهش سرد و پیکرش لرزان
دیده اش هرطرف بود حیران
نیمه ای از بدن بُدش عُرِیان
دست بر دست داده و نالان
که مرا داشت دوست تر از جان
که مرا بود عزت دوران
آن پریچهرگان حور و شان
خون میکرد از تنش فوران
کای مسلمان مردم افغان
من که پیر و زهیرم و حیران
زن و فرزند شد بخاک نهان
آفتی کرد نزول بر میان
قصه من کنید ورد زبان
زین جفاکاریهای اهل زمان

این حکایت شنیدم از یاران
پیرمردی ردا بـر دوشی
بـرف پیری فتاده بر رویش
رنگش از رنج زعفران گشته
زان لباسی که بود بر تن او
پا ز پاپوش بود بی بهـره
گاه میگفت بُد مرا پسری
گاه میگفت دخترانم بود
گاه میگفت طفلکانم کو؟
پیر میگفت و زار مینالید
بار دیگر به نوحه کرد آغاز
نالۀ من چـرا نمیشنوید؟؟؟
خانه ام درگرفت و لانه بسوخت
کور و کر گشتم از صدای مهیب
از تمام شما طلب دارم
یک به یک سانحه بیان کنید

من برفتم خدای یاور تان صد چو من اینچنین بشد ز جهان
بیر در لحظه ای که جان میداد گفت ای خالق زمین و زمان
عقل و فهمی نصیب ایشان کن
تا شوند پیرو حدیث و قرآن

(المان - ۲۱ جنوری ۲۰۱۲)